

سناریو جنگ نرم علیه ج.ا.ا. با توجه به انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری (خرداد ۱۳۹۲)^۱

سیدحسین حسینی^۲
سیامک باقری چوکامی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۲/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۲/۲۶

چکیده

انتخابات ریاست جمهوری در عین سهمی که در مشروعیت‌بخشی به نظام‌های سیاسی دارد، به زعم تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران امنیتی غرب، فضایی را فراهم می‌سازد تا سیستم‌های امنیتی آمریکا و متحدانش، نظریه‌های براندازی خود در قالب جنگ نرم را به اجرا گذاشته و توانایی آن‌ها را بیازمایند. از این رو، آمریکا و متحدینش، در نبرد با جمهوری اسلامی ایران عرصه انتخابات را فرصتی راهبردی برای تغییر سیاسی و براندازی نرم جمهوری اسلامی ایران شمرده و بر اساس تجربه فتنه ۸۸، سناریوی جدیدی را برای بهار ۹۲ تنظیم و برنامه‌ریزی کرده‌اند. بر این اساس، سؤال اصلی این پژوهش این است که برنامه‌ی دشمن برای بهره‌برداری امنیتی از این انتخابات چیست و به عبارت دیگر، چه سناریویی را می‌توان برای سوءاستفاده دشمن از این فضا پیش‌بینی کرد؟ برای دستیابی به این پرسش از روش توصیفی و سناریو نویسی و برای جمع‌آوری اطلاعات از اسناد و مدارک علمی بهره گرفته شده است.

کلید واژه‌ها: جنگ نرم، سناریونویسی، انتخابات، بازیگر خردمند

۱- این مقاله برگرفته از رساله دکتری با عنوان «راهبردهای مقابله با جنگ نرم در دهه چهارم انقلاب اسلامی ایران» است.

۲- عضو هیئت علمی دانشگاه امام حسین (علیه‌السلام) Hoseini_h53@yahoo.com

۳- دانشجوی دوره هفتم دکتری امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی s.bagheri6@gmail.com

۱ - مقدمه

اگر جنگ نرم را تلاش برای ایجاد تغییر در سیستم سیاسی حریف با حداقل خشونت و با بهره‌گیری از ظرفیت‌های اجتماعی آن سیستم فرض کنیم، آنگاه شاید بتوان گفت که مهم‌ترین ظرفیت مورد سوءاستفاده‌ی جنگ نرم، فرصت‌های دموکراتیک موجود در کشور هدف است. آسودگی خاطر دیکتاتورهای هابی همچون حکومت سعودی که با مفاهیم مردم‌سالارانه‌ی از جمله انتخابات و رقابت سیاسی بیگانه‌اند، بهترین گواه این مدعاست. برعکس، عملیات روانی سنگین کشورهای غربی علیه مناسبات مردم‌سالاری در ایران و مورد تردید قرار دادن اساس انتخابات در کشور ما، نشان‌دهنده‌ی آن است که مهم‌ترین معیار دنیای استکبار در ارزیابی میزان مردم‌سالاری در کشورهای هدف، هم‌سویی منفعتی و سیاسی این کشورها با غرب است.

اما نادیده گرفتن تبلیغاتی واقعیت‌های مردم‌سالاری، به معنای چشم‌پوشی از این ظرفیت‌ها در عالم واقع و در کشمکش‌های سیاسی و بین‌المللی نیست و دشمن از هیچ روزنه‌ای برای ایجاد اختلال و براندازی در کشورهای هدف فروگذار نمی‌کند. انتخابات، به ویژه انتخابات ریاست جمهوری (که انبوهی از شهروندان را به طور هم‌زمان و حول موضوع رقابتی واحدی، وارد فرآیند بسیج سیاسی هیجان‌آمیزی می‌کند)، از جمله‌ی این روزنه‌هاست. انتخابات ریاست جمهوری در عین سهمی که در مشروعیت‌بخشی به نظام‌های سیاسی دارد، به زعم تحلیل‌گران و تصمیم‌گیران امنیتی غرب، فضایی را فراهم می‌سازد تا سیستم‌های امنیتی آمریکا و متحدانش، نظریه‌های براندازی خود در قالب جنگ نرم را به اجرا گذاشته و توانایی آن‌ها را بیازمایند.

انتخابات ریاست جمهوری آینده‌ی ایران، به ویژه با توجه به سابقه‌ی تهاجم نرم استکبار (که در انتخابات سال ۸۸ و حوادث پس از آن، آخرین و بزرگ‌ترین نمونه‌اش را شاهد بودیم)، از این احتمال برکنار نیست. بنابراین، سؤال اینجاست که برنامه‌ی دشمن برای بهره‌برداری امنیتی از این انتخابات چیست و به عبارت دیگر، چه سناریویی را می‌توان برای سوءاستفاده دشمن از این فضا پیش‌بینی کرد؟

مؤلفین مقاله، برای پاسخ به این پرسش، ابتدا متدولوژی مورد استفاده در مقاله را تشریح کرده، سپس مدل مفهومی را توضیح داده، آنگاه به بخش اول سناریو که بر پیشران سیاسی و به مثابه ادامه‌ی آخرین تجربه مطرح می‌شود متمرکز شده، در ادامه، سناریو را با پیشران اقتصادی توسعه داده و در پایان، به نتیجه‌گیری خواهند پرداخت.

نکته‌ی مهم اینکه تمرکز مقاله‌ی حاضر بر نگاه دشمن به صحنه است؛ به همین دلیل، داده‌های مورد استفاده را اطلاعات منتشر شده‌ی حریف تشکیل می‌دهد و نه واقعیت‌های عینی جامعه‌ی خودی و نه حتی اطلاعات دارای طبقه‌بندی بیگانگان. این بدان معنی است که ادعاهای مطرح شده در مقاله، الزاماً با واقعیت‌ها انطباق ندارد و تنها بیانگر نحوه‌ی نگاه دشمن به مسائل کشور ما و تحلیل آن‌ها از این مسائل است.

۲- متدولوژی

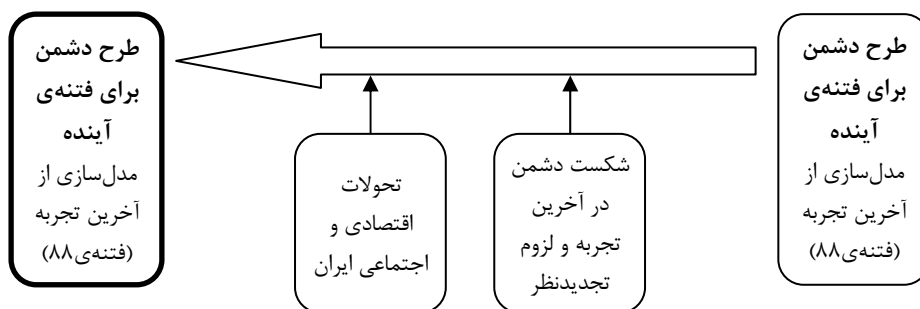
به دلیل تمرکز مقاله حاضر بر آینده، روش اصلی مورد استفاده، روش سناریوپردازی است؛ از مفهوم سناریو تعریف‌های مختلفی ارائه شده است. برخی، سناریوها را «تصویرهای باورپذیری از آینده که ترتیب منطقی رویدادها را نشان می‌دهند» تعریف کرده‌اند (ناظمی و قدیری، ۱۳۸۵). از نظر شوارتز، سناریو «ابزاری برای نظم-دهی به ادراک فرد درباره‌ی محیط‌های بدیل آینده است» (Schwartz, 1991). و سرانجام باید به این تعریف اشاره کرد که «سناریو توصیف موقعیت‌های آینده و رویدادهای ممکن در آن موقعیت‌هاست، به گونه‌ای که فرد بتواند از موقعیت کنونی خود به سوی آینده‌های بدیل حرکت کند. سناریوها شیوه‌هایی هستند که نتایج پیش‌بینی‌ها را به صورتی منسجم و متقاعدکننده ارائه می‌کنند» (Godet & Roubelat, 1996: 1). امروزه سناریونویسی به عنوان یکی از روش‌های نوین و کاربردی در برنامه‌ریزی استراتژیک سازمان‌های پیشرفته، ایفای نقش می‌کند. به طور کلی سناریو بر سه مؤلفه‌ی جمع‌آوری اطلاعات، تحلیل اطلاعات و مدل‌سازی آینده استوار است که هر مؤلفه، به مهارت‌های متفاوتی احتیاج دارد. (لیندگرن و باند هولد، ۱۳۸۶: ۱۱۹)

عناصر اصلی یک سناریو را متغیرهای مختلفی تشکیل می‌دهد که مهم‌ترین آن‌ها - به‌ویژه، با توجه به نوع استفاده از این مفهوم در مقاله‌ی حاضر - عبارت است از نیروهای محرک^۱. (Schwartz, 1991: 101-105) نیروهای محرک دو دسته هستند: آن دسته از نیروهایی که می‌توانند از محیط بر سناریو تأثیر گذارند، مانند نیروهای اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و روندهای فن‌آوری که می‌توانند در یک دسته بندی کلی در بخش‌های مربوط به جامعه تکنولوژی، اقتصاد، سیاست و محیط زیست جای گیرند؛ دسته دیگر فعالیت‌های نهادی هستند مانند انواع سازمان‌های تجاری، احزاب سیاسی، آژانس‌های دولتی و نهادهای منطقه‌ای و جهانی. به عبارت ساده‌تر، فهم و درک صحیح آینده مستلزم شناسایی نیروهای پیشران کلیدی است. انواع مختلف نیروهای پیشران کلیدی باید مد نظر قرار گیرند. نیروهای پیشران شاید جنبه فناوری داشته باشند - رشد دسترسی به اینترنت و اطلاعات - شاید جنبه اقتصادی داشته باشند - افزایش تورم و فقیر شدن مردم - شاید جنبه اجتماعی داشته باشند - رشد بی رویه جمعیت، تغییر باورها، نظام‌های ارزشی و سبک زندگی مردم - و نهایتاً شاید جنبه سیاسی داشته باشند، مثلاً جابجایی قدرت بین احزاب رقیب و یا انتخابات.

با رویکردی مبتنی بر بازیگر خردمند^۲ - به بیان گراهام آلیسون - (نک. تی آلیسون، ۱۳۶۴) و با تکیه‌ی موقت بر این قاعده‌ی معروف که ژنرال‌ها معمولاً بر اساس آخرین تجربه‌ی خود به جنگ آینده فکر می‌کنند، چنین فرض می‌شود که حریف، تجربه‌ی فتنه‌ی ۸۸ را مبنای طرح‌ریزی خود برای فتنه‌ی آینده قرار خواهد داد. پیشران حاصل از این تجربه، پیشرانی سیاسی است که در قالب فرصتی همچون انتخابات

1. Driving Forces
2. Rational Actor

ظهور و بروز می‌باید. با این نگاه ساده، فتنه‌ی آینده باید تکرار کمابیش ساده‌ای از تجربه‌ی ۸۸ باشد. اما دو دسته متغیر باعث می‌شود که حریف به آخرین تجربه بسنده نکند و در تلاش برآید که آن را با عناصر دیگری تکمیل کند. اول، شکست دشمن در رسیدن به هدف نهایی (براندازی نظام جمهوری اسلامی) و جستجو برای روش‌های کارآمدتر است؛ و دوم، وقوع تحولاتی در اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران که بخش مهمی از آن با پیگیری حریف (با اقداماتی مانند تحریم) و با هدف زمینه‌سازی برای جنگ نرم آینده صورت گرفته است.

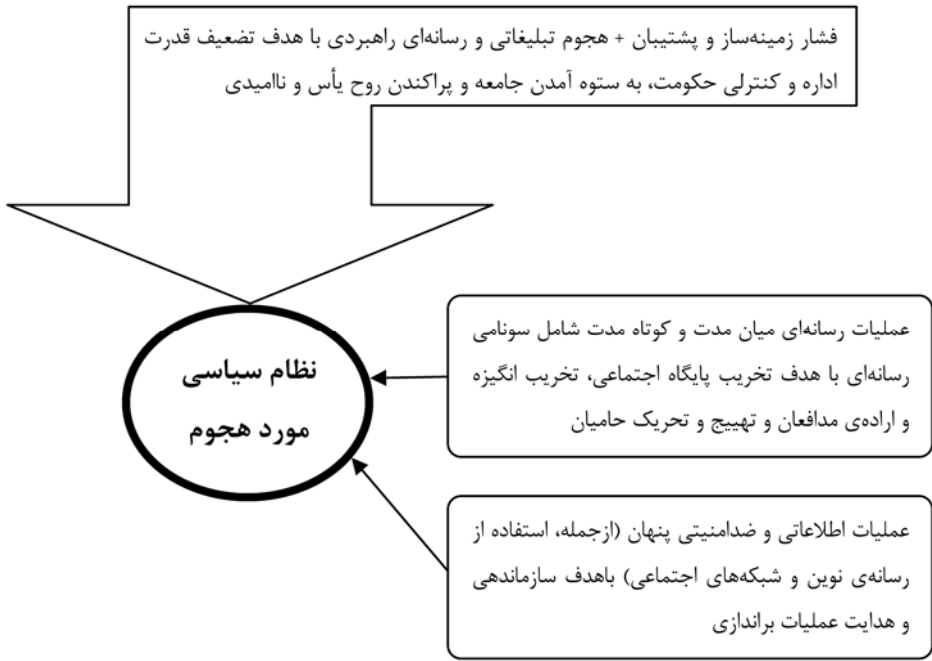


شکل ۱- مدل سناریوپردازی برای تهیه‌ی برآورد از جنگ نرم آینده‌ی دشمن

۳- مدل مفهومی

مهم‌ترین مفهوم کلیدی مقاله‌ی حاضر، مفهوم جنگ نرم است. به طور خلاصه، منظور از جنگ نرم، تلاش یک بازیگر سیاسی برای ایجاد تغییرات سیاسی در نظام هدف، با بهره‌گیری از چالش‌های داخل آن نظام و با استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای غیر خشونت‌آمیز است. (نک. حسینی، ۱۳۹۰)

مطابق مدل مفهومی که در پی می‌آید، جنگ نرم سه لایه‌ی اساسی دارد، لایه‌ی راهبردی، لایه‌ی عملیاتی آشکار و لایه‌ی عملیاتی پنهان. در لایه‌ی راهبردی، دشمن با ترکیبی از اقدامات تخریبی فیزیکی و اعمال فشارهای سیاسی و اقتصادی، همراه با تهاجم رسانه‌ای و جنگ تبلیغاتی، زمینه‌ی واگرایی بین جامعه و حکومت را فراهم می‌سازد. این اقدامات و فشارها، قبل، حین و بعد از لایه‌های عملیاتی جریان دارد. لایه‌ی عملیاتی معمولاً با دستاویزی سیاسی یا امنیتی (مانند انتخابات یا جنگ) شکل می‌گیرد. در بعد آشکار این لایه، سونامی رسانه‌ای نقش کلیدی ایفا می‌کند و در بعد پنهان آن، رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی، ابزار اساسی عملیات به شمار می‌آیند. با توجه به مدل، رسانه‌ها و جنگ رسانه‌ای، اگر نه مهم‌ترین عنصر معرکه درگیری، قطعاً مؤلفه‌ای سرنوشت‌ساز در جنگ نرم می‌باشند.



شکل ۲- مدل مفهومی جنگ نرم

۴- جنگ نرم آینده به مثابه ادامه‌ی پروژه‌ی فتنه‌ی ۸۸

مواضع و اقدامات آمریکا و متحدینش بیانگر این نکته‌ی راهبردی است که آن‌ها پس از فتنه ۸۸ همچنان درصد تکرار این تجربه در فرصت‌های سیاسی ناشی از انتخابات آینده هستند. به عنوان نمونه در ژوئن سال ۲۰۱۰ جان مک کین، کاندیدای جمهوری خواهان در انتخابات گذشته ریاست جمهوری آمریکا، در یک سخنرانی در بنیاد اعانه ملی برای دموکراسی، مدعی شد «شخصیت نظام ایران» به عنوان «تهدید عمیق تر برای صلح و آزادی دنیای ما» است. مک کین راه حل خود را برای این بحران با جزئیات شرح داد: «من معتقدم تنها تغییری که می‌تواند در نهایت به دگرگونی سیاست‌های ایران، آن گونه که ما می‌خواهیم، منجر شود، تغییری است که در خود رژیم ایران - یک تغییر مسالمت آمیز، با انتخاب و هدایت مردم ایران - صورت گیرد» (مک کین، ۱۳۹۰/۳/۱۲)

کنت کاتزمن «یکی از کارشناسان امور خاورمیانه در مرکز تحقیقات کنگره آمریکا» در مصاحبه با خبرگزاری فارس اظهار داشت: حتی در زمان اوج اعتراضات مخالفان داخلی - جنبش سبز - که به مدت شش ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری ۱۲ ژوئن ۲۰۰۹ روی داد و در سال ۲۰۱۰ تا حد زیادی فروکش کرد،

ایران موضع خود را حفظ کرد. از فوریه ۲۰۱۱، دولت آمریکا هر چند دیپلماسی فعال‌تر یا تحریم‌های بیشتر را منتفی ندانسته است اما به نظر می‌رسد که در حال تغییر موضع خود به سمت حمایت علنی‌تر از مخالفان است. این تغییر موضع، همزمان با فعال شدن دوباره جنبش سبز در جامعه به موازات قیام‌های مردمی در خاورمیانه در سال ۲۰۱۱، صورت می‌گیرد. هنوز برخی باور دارند که تنها به دست گرفتن قدرت از سوی جنبش سبز می‌تواند به طور دائم موجب کاهش کثرت تهدیدهای ناشی شده از جانب حکومت ایران شود. (کاتزن، ۱۳۹۰/۲/۱۸)

اما طرح‌هایی مانند فراهم کردن بسترهای نافرمانی مدنی، مبارزه طلبی بدون خشونت، اغتشاش و شورش‌های اجتماعی باید به شکلی جدید که فاقد ضعف‌های پروژه سال ۸۸ باشد، صورت گیرد. چوک فریلیچ، مشاور پیشین امنیت ملی رژیم صهیونیستی، در سرمقاله خود در مرکز امور بین‌المللی و علمی پل‌فر با بیان اینکه تغییر رژیم در ایران باید اولویت اول خاورمیانه امروز باشد، برای این تغییر حکومت ایران و فروپاشی آن پنج پیشنهاد را به اوپاما ارائه کرد. این راهکارها و پیشنهادها عبارت بودند از:

- درخواست صریح از سوی باراک اوپاما از مردم ایران برای قیام علیه رژیم به جای اظهارات دوپهلوی و غیرمستقیمی که تاکنون برای حمایت از تغییر صورت گرفته است. این موضوع می‌تواند با نگاهی به آینده بهتر و جدید برای ایران بعد از تغییر رژیم بیان شود مثل ابراز امید برای برقراری رابطه با آمریکا به عنوان تقدیر از این قیام

- گسترش جدی دامنه تحریم‌هایی که در حال حاضر به خاطر برنامه اتمی ایران علیه این کشور وضع شده‌اند به گونه‌ای که شامل رفتارهای رژیم و تداومش برای مهار معترضان نیز بشود. تحریم‌های جدی نه فقط بر رژیم بلکه بر مردم ایران نیز تأثیر می‌گذارد. تغییر رژیم دردناک خواهد بود اما به قیمت ارزان به دست نمی‌آید.

- حمایت مالی و مادی گسترده از گروه‌های مخالف در ایران به صورت مستقیم یا پنهانی.
- شیفتگی جوانان ایران به اینترنت و علاقه زبازند آن‌ها به شبکه‌های اجتماعی که تأثیرات سیاسی مخرب آن‌ها تاکنون ثابت شده است، باید مورد بهره برداری قرار گیرد. این کار می‌تواند مثلاً از طریق ارسال غیرمستقیم تعداد انبوهی آی‌پد و دیگر تجهیزات اینترنتی رایگان صورت بگیرد. به جای برنامه "اتم برای صلح" می‌توان برنامه "آپل برای آزادی" را اجرا کرد.

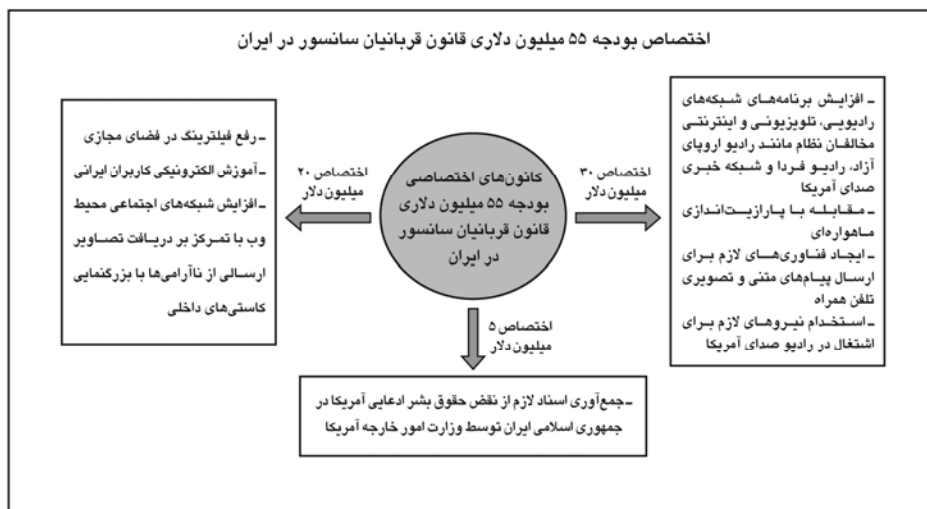
- ایران، لیبی نیست. ایران کشوری بسیار بزرگ و دارای قابلیت انتقام‌گیری است بنابراین حتی نرم‌ترین گزینه‌های نظامی مثل تعیین محدوده پرواز ممنوع نیز در مورد این کشور کارایی ندارند. اما زمانی که ناآرامی گسترش یابد، برخی از تدابیر بسیار محدود را - از قبیل ایجاد اختلال در ارتباطات رژیم - می‌توان اعمال کرد. (فریلیچ، ۱۳۹۰/۲/۱۱)

به زعم تصمیم‌سازان امنیتی دشمن، محور اساسی این سناریو را بسیج سیاسی مبتنی بر رسانه تشکیل می‌دهد. مایکل پوزنر مدیر امور دموکراسی وزارت خارجه آمریکا، طی جلسه‌ای در کنگره آمریکا برای بررسی وضعیت ایران گفته است که «حمایت‌های آمریکا باید بر پایه این حقیقت باشد که تغییر، در داخل این کشورها [ایران و سوریه] اتفاق خواهد افتاد. ما سعی می‌کنیم به مخالفان کمک کنیم که بتوانند با هم ارتباط برقرار کنند، بودجه زیادی را به برنامه آزادی اینترنت اختصاص داده‌ایم، مطالب زیادی را به فارسی و عربی ترجمه کرده‌ایم، سعی می‌کنیم نهادهای غیردولتی را در هر دو کشور تقویت کنیم و به مخالفان آموزش بدهیم که چطور فعالیت گروهیشان را گسترش بدهند» وی همچنین گفت: در هر دو کشور سوریه و ایران، مخالفانی هستند که دولت‌هایشان را به چالش می‌کشند. (پوزنر، ۱۳۹۰/۵/۸)

محافل اندیشه‌ای آمریکا بر این باورند که در کنار تحریم‌های فلج‌کننده و بسیج سیاسی مبتنی بر رسانه، راه‌اندازی «جنبش سبز شماره دو» امری لازم است. از نظر آن‌ها تقویت مخالفان ایران در کنار تحریم‌ها می‌تواند تغییر سیاسی حکومت را تسریع بخشد.

پایگاه اینترنتی فصلنامه «فارین افرز» ارگان شورای روابط خارجی آمریکا در مقاله‌ای تحت عنوان «جنبش سبز دو، چگونه حمایت آمریکا از مخالفین می‌تواند منجر به پیروزی آن‌ها شود؟» نوشت: امروز شاید تنها راه آمریکا راه اندازی جنبش سبز دو می‌باشد. اگر فناوری سطح بالایی در اختیار مخالفان حکومت ایران قرار گیرد آن‌ها خواهند توانست تا با دولت مقابله کنند. حمایت غرب از جنبش سبز می‌تواند سبب تقویت مخالفان گردد اما به شرطی که واشنگتن سعی نکند رژیم فعلی را با حکومتی به سبک دموکراسی غربی عوض کند. از این رو آمریکا نباید به مردم ایران شکل حکومتشان را دیکته کند. ما باید کاری کنیم که نظام سیاسی ایران، صدای مخالفان ایرانی را بشنود. (ابو، ۱۳۸۹/۱۲/۰۸)

هیئت رسانه‌ای آمریکا در چارچوب برنامه استراتژیک ۲۰۱۳-۲۰۰۸ خود، بودجه سالیانه‌ای را پیش بینی کرده تا بتواند با برقراری ارتباط رسانه‌ای با مخاطبان به ویژه مخاطبان ایرانی، بسیج سیاسی مبتنی بر رسانه و عملیات براندازی را زمینه‌سازی نماید. بدین منظور شورای رسانه‌ای آمریکا (BBG) پس از انتخابات ایران، عملیات‌های اینترنتی خود را افزایش داد تا حجم بالایی از اخبار اعتراضات را پوشش دهد. (شورای دولتی پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون آمریکا، ۲۸ / ۱ / ۱۳۸۹). تصویر ذیل، نمونه‌ای از نحوه‌ی هزینه‌کرد این‌گونه بودجه‌ها را نشان می‌دهد.



شکل ۳- واکاوی تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تحلیل گفتمانی (دلاورپور، ۱۳۹۰)

در همین راستا، وزارت امور خارجه ایالات متحده، مبلغ ۲۸ میلیون دلار در سال ۱۳۹۰ برای کمک به فعالان اینترنتی اختصاص داد؛ به ویژه در کشورهایی که دولت آن‌ها پست الکترونیک و رسانه‌های اجتماعی مانند فیس‌بوک و گوگل را محدود کرده است. (بانر، ۱۳۹۰/۲/۴)

مقامات آمریکا بر این باورند که قدرت رسانه قادر است معترضین علیه حکومت ایران را به صورت شبکه‌ای ساماندهی و مدیریت نماید. چنانچه الک راس، مشاور ارشد هیلاری کلینتون با تاکید بر توجه وزارت خارجه به «شبکه‌های اجتماعی» به عنوان ابزاری برای مخالفت با ایران، از اینترنت به عنوان «چه گوارای قرن بیست و یکم» یاد کرده و می‌گوید: ممکن است اینترنت در ایران این طور نباشد ولی راهی است که می‌تواند معترضین را به هم شبکه کند. همچنین در پاسخ به این سؤال که «چرا وزارت خارجه ایالات متحده، صفحه توییتر فارسی راه اندازی نموده است؟» اظهار می‌دارد: دلایلش خیلی ساده بود. صفحه فارسی توییتر گزینه دیگری برای ارتباط با مردم است. البته من فکر نمی‌کنم معجزه می‌کند؛ اما ابزاری است که می‌تواند برای خبر رسانی مورد استفاده قرار بگیرد. (راس، ۱۳۹۰/۲/۲۰)

ارزش راهبردی رسانه در تغییر سیاسی ایران به گونه‌ای است که مجلس نمایندگان آمریکا در لایحه‌ای، وزارت خارجه آمریکا را موظف کرد تا برای پیشبرد عملیات‌های روانی در ایران، دست به ارائه استراتژی جامع اینترنتی بزند. در این لایحه بیان شده است که در کمتر از ۹۰ روز پس از تاریخ تصویب این قانون و پس از آن هر ساله، وزیر خارجه آمریکا باید استراتژی جامعی را به کمیسیون‌های امور خارجه و تخصیص بودجه مجلس نمایندگان و نیز کمیسیون‌های روابط خارجه و تخصیص بودجه سنا ارائه دهد تا:

- به مردم ایران در تولید، دستیابی، و اشتراک اطلاعات به صورت آزاد و ایمن از طریق اینترنت، به زبان‌های فارسی و محلی، کمک کند؛
- از ایجاد فناوری‌های ضد سانسور حمایت کند تا از این طریق شهروندان ایرانی بتوانند بدون مداخله دولت ایران، فعالیت‌های اینترنتی را در دست بگیرند؛
- امکانات و دسترسی به ارتباطات سیار ایمن را در میان فعالان حقوق بشر و دموکراسی در ایران افزایش دهد؛
- منابع لازم برای آموزش امنیت دیجیتال رسانه‌ها، اتحادیه‌ها، و سازمان‌های آکادمی و جامعه مدنی در ایران را فراهم آورد؛
- میزان محتویات دقیق اینترنتی را به زبان‌های محلی در ایران افزایش دهد؛
- برای آسیب‌پذیرترین فعالان حقوق بشر که به دنبال سازمان‌دهی، به اشتراک‌گذاری اطلاعات، و حمایت از حقوق بشر در ایران هستند، منابع اضطراری را افزایش دهد.
- ارتباطات شبکه‌های اجتماعی، پخش زنده اینترنتی، شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی بدیل را در داخل ایران گسترش دهد؛
- به منظور کمک به فعالان حقوق بشر، جامعه مدنی، و اتحادیه‌ها و نیز آموزش آن‌ها به صورت ایمن و برای فعالیت موثر و ایمن در ایران، فعالیت‌ها را گسترش دهد؛
- کلیه تلاش‌های دولت ایران در ایجاد پارازیت و یا رد سیگنال‌های پخش برنامه‌های ماهواره‌ای بین‌المللی را شکست دهد؛
- برنامه‌های کنسولگری‌ها و سفارت‌خانه‌های آمریکا در سراسر جهان را برای حمایت از اجتماعات مخالف ایران توسعه دهد.
- در خصوص شکل ارائه این استراتژی نیز آمده است: این استراتژی باید به صورت طبقه‌بندی نشده و متشکل از یک پیوست طبقه‌بندی شده باشد. (مجلس نمایندگان آمریکا، ۱۳۹۰/۳/۲)
- مارک کرک در خصوص تلاش‌های آمریکا برای ارتباط مستقیم با مردم ایران برای عملیات روانی و نفوذ بیشتر ابراز امیدواری می‌کند که سرمایه‌گذاری‌ها در این زمینه بتواند مخاطبان ایرانی را تحت پوشش قرار داده و اهداف براندازی نرم را تسهیل نماید: «امیدواریم از رسانه‌های جدید استفاده کنیم مثل توئیتر، مای اسپیس، فیس‌بوک و انواع روش‌های اینترنتی به علاوه موبایل و اس ام اس. فکر می‌کنم صدای آمریکا، بی بی سی و الجزیره، همگی مخاطبانی در تهران دارند. اما ضمناً می‌خواهیم سرویس اینترنت مستقیم به ایران ارائه کنیم که مردم ایران مجبور نباشند از طریق دولت به اینترنت متصل شوند، بلکه فقط

با یک بشقاب ماهواره در حیاط خانه‌شان، هر چیزی که می‌خواهند تماشا کنند و بدون واسطه دولت، هر چیزی که می‌خواهند بگویند.» (مارک کرک، ۱۳۹۰/۳/۱۲)

پروژه «اینترنت چمدانی» و شبکه‌های بی‌سیم پنهان یکی از اقدامات در راستای لایحه فوق است که سعی دارد ارتباط مخاطبان با دولت را مختل و به جای آن دسترسی و ارتباط با رسانه‌های بیگانه را افزایش دهند. این چمدان می‌تواند به صورت پنهان از مرزهای کشورها عبور داده شده و با ایجاد تنظیمات سریع، امکان ارتباط بی‌سیم در یک محوطه وسیع از طریق اینترنت جهانی را به وجود آورد. (خوش‌آیند، ۱۳۹۰/۳/۲۳)

در نتیجه تمام این اقدامات آن طور که مایکل لدین (عضو شورای روابط خارجی آمریکا) تصریح کرد، در صدد جایگزینی گزینه‌های نرم افزاری به جای گزینه‌های سخت افزاری است: «اما هیچ یک از این گزینه‌ها جذاب نیست. در عوض اگر آمریکا و متحدان آن دید خود را وسیع کنند به جای توجه صرف به برنامه هسته‌ای ایران، تهاجم بزرگ‌تر جمهوری اسلامی علیه غرب را مد نظر قرار دهد، خواهند دید که گزینه سوم و بهتری نیز وجود دارد و آن حمایت از انقلاب دموکراتیک در ایران است. (لدین، ۱۳۹۱/۰۵/۲۳)

البته این موضوع پس از فتنه ۸۸ از طریق کنفرانس‌های مختلف از جمله کنفرانس «واشنگتن»، «لندن» و «اولاف پالمه» در حال پیگیری است. همچنین اپوزیسیون جدید متشکل از افرادی که در سال‌های اخیر از ایران فرار کردند، در سال ۱۳۹۰ سه کنش فراگیر را دنبال کرده‌اند. تلاش‌های گوناگون برای ایجاد هماهنگی و همبستگی میان اپوزیسیون خارج از کشور و شکل دهی به نوعی اپوزیسیون فراگیر، یکپارچه و در مقام آلترناتیو برای جمهوری اسلامی، فراخوان تجمعات و راهپیمایی‌های سکوت در سه مقطع مشخص و تحریم فعال انتخابات نهم مجلس که از سوی همه طیف‌های اپوزیسیون متأخر در خارج از کشور اعلام شد. (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰: ۴۳-۴۲)

۵- متغیر میانجی؛ پیشران بدیل

همچنان که پیش‌تر اشاره شد، محدود بودن فتنه‌ی سبز به اقشاری خاص، قدرت فراگیری آن را به شدت کاهش داد. راهکار دشمن برای برون‌رفت از این محدودیت، تشدید فشارهای اقتصادی بر ایران به منظور اعمال تضییقات معیشتی بر مردم است. از نظر تصمیم‌گیران حریف، همراه ساختن این تضییقات با عملیات رسانه‌ای (مبنی بر نسبت دادن فشارها به سیاست‌های مورد پیگیری ایران)، موجب افزایش نارضایتی‌ها و تضعیف پایگاه اجتماعی نظام اسلامی خواهد شد.^۱

خانم کلیتون وزیر وقت امور خارجه آمریکا در گفتگو با بخش فارسی شبکه بی‌بی‌سی، ادعا کرد که «تحریم‌های بین‌المللی برای ترغیب ایران به تغییر رویه اعمال می‌شود. این تحریم‌ها بر مردم عادی هم تا

۱- راهپیمایی میلیونی مردم در مراسم بزرگداشت ۲۲ بهمن امسال نشان داد که دشمن در دستیابی به این هدف، ناکام مانده است.

حدودی اثر می‌گذارد، اما چاره‌ای جز اعمال این تحریم‌ها نیست.» او اظهار امیدواری کرده که عناصری در داخل حکومت ایران واقع بین باشند و از خود بپرسند که چرا باید چنین فشاری را بر مردم خود تحمیل کنند. به عقیده او ده‌ها هزار ایرانی روشنفکر و تحصیل کرده و بانفوذ در ایران حضور دارند که دیر یا زود به فکر انجام اصلاحات و تغییرات خواهند افتاد.» (کلینتون، ۲۶/۱۱/۲۰۱۱)

رهبر معظم انقلاب در تابستان سال ۱۳۹۱ با افشای اهداف اصلی دنیای غرب، فرمودند که: «در مقابله‌ی با جمهوری اسلامی، همه‌ی تلاش خودشان را دارند به کار می‌برند؛ هدف هم این است که نظام مقدس جمهوری اسلامی را از پشتیبانی مردم، از این پشتوانه‌ی عظیم محروم کنند. این تحریم‌ها و این‌ها که مشاهده می‌کنید، هدف اصلی‌اش این است. البته به دروغ ادعا می‌کنند که هدف تحریم‌ها، مردم نیستند: می‌خواهیم به مردم ضربه وارد نیاید. مثل بقیه‌ی ادعاهایشان، این هم دروغ و فریب و خدعه است. نه؛ اتفاقاً هدف اصلی، مردمند. فشارها برای این است که مردم را به ستوه بیاورند، مردم را دچار مشکلات کنند، تا از نظام جمهوری اسلامی دل ب‌برند؛ رابطه‌ی قلبی آن‌ها با نظام جمهوری اسلامی قطع شود.»

اظهارات ژنرال دیوید پترائوس، رئیس سازمان سیا در تاریخ ۱۲ بهمن ۱۳۹۰/۱۳۹۰ اول فوریه ۲۰۱۱، در جلسه کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا، که آخرین ارزیابی اطلاعاتی خود را درباره وضعیت ایران ارائه می‌کرد، نشان می‌دهد که هدف واشنگتن از افزایش تحریم‌ها افزایش تأثیر آن‌ها بر سطح نارضایتی مردم ایران است. وی در جلسه‌ی یادشده می‌گوید: «باید منتظر ماند و دید که در آینده چه اتفاقی رخ می‌دهد. باید دید نارضایتی عمومی در ایران به چه سطحی خواهد رسید و آیا این مسئله بر تصمیم‌گیری راهبردی رهبر عالی ایران و رژیم تأثیر خواهد گذاشت یا خیر. باید به خاطر داشت که هدف والای رژیم ایران در وهله نخست بقای رژیم است.» (پترائوس، ۱۱/۱۲/۱۳۹۰)

اظهاراتی را می‌توان یافت که از این هم پیش‌تر می‌روند. برای مثال، باید به اعتراف «براد شرم» نماینده دموکرات کنگره آمریکا اشاره کرد که می‌گوید: ما مسلماً مایل به سقوط حکومت ایران هستیم و این ممکن است به شکل سقوط شاه باشد که نیازمند حضور میلیونی مردم در خیابان‌های تهران است. بله این یکی از سناریوهایی است که تحریم‌ها قصد به وجود آوردنش را دارند. (شرمن، ۱۳/۳/۱۳۹۱) و یا می‌توان به اظهارات نوبت‌گینگریچ نماینده کنگره آمریکا اشاره کرد: «ما باید به فکر جایگزین کردن رژیم ایران باشیم. ایران یک حکومت خطرناک است و به شدت متعهد به نابودی اسرائیل و خارج ساختن ما از خاورمیانه است.» او در ادامه می‌افزاید: «لذا من فکر می‌کنم که باید همانند ریگان که در برابر جماهیر شوروی دارای یک خط‌مشی بود دارای خط‌مشی استفاده از هر نوع روش غیر خشن باشیم تا از طریق آن این دیکتاتوری را تحلیل برده و جایگزین کنیم زیرا که هیچ‌گاه در امان نخواهیم بود. تا وقتی که دیکتاتوری ایران فعالانه سعی در کسب سلاح‌های هسته‌ای دارد و فعالانه برای کشتن مردم در ایالات متحده برنامه‌ریزی می‌کند،

ما هیچ گاه در دنیایی ایمن زندگی نخواهیم کرد.» وی همچنین در خصوص تلاش‌های آمریکا برای افزایش تحریم‌ها علیه ایران اظهار می‌دارد: «تحریم کوچک‌ترین اقدام درستی است که می‌توان انجام داد. ما باید به طور فعالانه تمامی گروه‌های مخالف در ایران را حمایت مالی کنیم. به کارهایی که ریگان، تاچر، و پاپ ژان پل دوم انجام دادند نگاه کنید. آن‌ها از تمامی زوایا فشار می‌آوردند فشار روانی، فشار اطلاعاتی، فشار اقتصادی، کمک به سازماندهی مخالفان، تجهیز منابع و امکانات آن‌ها، و مثلاً ایجاد یک رادیو ایران آزاد، تلویزیون ایران آزاد، اینترنت ایران آزاد.» (کینگریج، ۲۹/۶/۱۳۹۰).

وزیر امور خارجه رژیم صهیونیستی «آویگدور لیبرمن» در مصاحبه با روزنامه هآآرتض، با اشاره به تحریم‌های موجود علیه ایران مدعی شد که فشارهای اقتصادی وارده بر جمهوری اسلامی، موجب بروز ناآرامی در داخل ایران شده و ادامه این روند می‌تواند موجب سقوط حکومت شود. وی می‌گوید: به نظر من اعتراضاتی که در سال‌های قبل در ایران وجود داشت این بار با قدرت بیشتری باز خواهند گشت و مدل ایرانی از انقلاب میدان تحریر را شاهد خواهیم بود. نسل جوان ایران از این که آینده خود را قربانی شده می‌بینند ناراحت هستند.^۱ (لیبرمن، ۱۳۹۱/۷/۹)

البته، فشارهای اقتصادی، به زعم طراحان آن، باید هدف دیگری را نیز تأمین کند و آن، کاهش قدرت ملی و توان مدیریتی و کنترلی دولت بر جامعه است. دانیلون مشاور امنیت ملی آمریکا ضمن سخنرانی در موسسه‌ی بروکینگز در تاریخ سه شنبه ۲۲ نوامبر ۲۰۱۱ فشار تحریم را تأثیر گذار دانسته و بر این باور است که این فشارها ایران را در درون از پای در می‌آورد: «آن چیزی که من مدت‌ها می‌خواستم در باره آن بحث کنم، انزوای فوق‌العاده‌ای است که اکنون ایران در آن قرار دارد. حتی اگر تهران به رفتارهای بی‌ثبات کننده و خطرناک خود ادامه دهد، ایران امروز به صورت بنیادی ضعیف تر، منزوی تر، آسیب‌پذیرتر و در وضعیت نامناسبی، بیش از همیشه بی‌اعتبار شده است. برعکس، در مقایسه با هنگامی که پریزدنت اوباما وارد کاخ

۱- مطابق ادعای بی‌بی‌سی، سقوط ارزش ریال و افزایش قیمت‌ها، کاهش درآمدهای نفتی ایران و دشواری انجام معاملات خارجی، فشارها بر دولت ایران را افزایش خواهد داد. حتی در حال حاضر، دولت با مشکلاتی جدی برای تکمیل طرح پرداخت یارانه‌های نقدی روبه رو است و به نظر می‌رسد که بر شدت و دامنه این مشکلات افزوده خواهد شد. رکود و تورم توأمان، افزایش میزان بیکاری و کاهش درآمدها خود می‌تواند زمینه شورش‌های شهری و حاشیه شهری را به شدت افزایش دهد. در شرایط ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، این احتمال افزایش یافته است که اعتراضات یا ناآرامی‌ها و شورش‌های شهری یا حاشیه شهری برآمده از تنگنای معیشتی و اقتصادی با مطالبات معوق مانده سیاسی گره بخورند. چنین اتفاقی به معنای آن خواهد بود که اعتراضات معیشتی- اقتصادی یا «شورش نان» صرفاً اعتراضاتی معطوف به کسب شرایط اقتصادی بهتر نخواهند بود و ماهیتی سیاسی خواهند یافت که اصلی‌ترین یا یکی از اصلی‌ترین مطالباتش اعمال تغییرات عمده یا بنیادین در ساختار نظام سیاسی کشور خواهد بود. «جامعه ایران، به استثنای دوران جنگ هشت ساله با عراق، در چهار دهه گذشته جامعه‌ای مصرفی و متکی بر درآمدهای نفتی بوده است» جامعه ایران، به استثنای دوران جنگ هشت ساله با عراق، در چهار دهه گذشته جامعه‌ای مصرفی و متکی بر درآمدهای نفتی بوده است و بازار پر رونق کالاهای لوکس و تجملی، فرهنگ خاص خود را تولید کرده است. از همین رو، اختلال در این روند، به معنای آن خواهد بود که طبقات متوسط و فرادست جامعه نیز چندان از جمع ناراضیان کنار نخواهند ماند. (باستانی، ۲۰۱۲/۱۲/۵)

سفید شد، موقعیت ایران در داخل کشور، در منطقه و در سراسر جهان کاهش یافته است. در داخل کشور، ایران فشار عظیمی را احساس می‌کند» (دانیلون، ۲۹/۸/۲۰۱۱)

دشمن انتظار دارد که فشارهای اقتصادی به گونه‌ای فلج کننده باشد که قدرت و اقتدار رهبری را تضعیف نموده و ملاً شکاف در دولت، زمینه‌های تغییر رژیم را فراهم سازد. در همین راستا، فرید ذکر یا در ارزیابی از فشارهای اقتصادی معتقد است که: ایران ضعیف شده است و ضعیف‌تر هم می‌شود. تحریم‌ها، اقتصاد را در سرایشی قرار داده است. سیستم سیاسی ترک برداشته و پاره پاره است. در خارج، نزدیک‌ترین متحد ایران و تنها حامی تمام عیار آن - سوریه - در حال سقوط است. پادشاهی‌های خلیج فارس با هم دست به یکی کرده و از سیاست‌های واشنگتن پیروی می‌کنند. دولت اوپاما، فشارهای بسیار زیادی را به ایران وارد آورده است که به مراتب از فشارهای دوران بوش بیشتر است. ولی کشورهای اروپایی، ژاپن، کره جنوبی از ایران نفت می‌خرند و اگر به خرید خود پایان دهند، ورشکستگی اقتصادی ایران جدی خواهد بود. آن‌ها مایل هستند تحریم‌ها آنقدر فلج کننده باشد که قدرت ... [رهبری] را زیر سؤال ببرد و شکاف‌های موجود در دولت، زمینه را برای تغییراتی در رژیم فراهم آورد. (ذکر یا، ۹/۴/۲۰۱۱)

در واقع بازیگر تهدیدکننده انتظار دارد تا شرایط فلج کننده‌ای که مطرح شد نارضایتی‌ها در نهادهای دولتی را ایجاد و تعمیق ببخشد و از این ره گذر عملکرد و کارآمدی دولت مختل گردد. با اختلال و در کارکردهای خدمات رسانی دولت، نارضایتی‌های اجتماعی افزایش یافته و تبدیل به جنبش اعتراضی علیه حکومت گردد. در این خصوص بی بی سی در گزارشی به قلم کاظم علمداری پیامد تحریم را نارضایتی اجتماعی و بروز جنبش‌های اعتراضی دانسته و می‌گوید: نزدیک به هشتاد درصد بودجه عمومی دولت از درآمد نفت تأمین می‌شود. با کاهش شدید درآمد نفت، افزون بر مشکلات زندگی مردم، نارضایتی در بدنه نهادهای دولتی نیز به مشکلات کنونی افزوده خواهد شد. عملکرد دولت نیز مختل و اثرات آن به جامعه منتقل می‌شود. به دلیل دولتی بودن اقتصاد ایران، هر نوع ناکارآمدی دولت در زمینه اقتصاد به جامعه منتقل شده و به نهادهای تولیدی که نیازمند واردات مواد و تکنولوژی هستند لطمه می‌زند. چون دولت کارآفرین خوبی نیست، اقتصاد دولتی را می‌توان عامل بیکاری دو رقمی و مزمن دانست. حکومت تا کنون با تداوم سرکوب به سلطه خود ادامه داده است. با کاهش درآمد توان کنترل و سرکوب حکومت نیز کاهش خواهد یافت و زمینه برای فعال شدن جنبش‌های اعتراضی و اجتماعی بیشتر خواهد شد. تحریم اقتصادی بر وضعیت معیشتی مردم نیز اثرات منفی باز هم بیشتری خواهد گذاشت و به نارضایتی‌های موجود بیشتر دامن خواهد زد. (بی بی سی، ۵/۸/۲۰۱۲)

رهبر معظم رهبر معظم انقلاب، در پاسخ به این مدعیات، در بیانات خود در جمع مردم قم - در دی ماه سال ۱۳۹۰- فرمودند: «می‌گویند این تحریم‌هایی که بر علیه ایران تصویب و اجرا می‌کنیم - و با عناد

کامل دنبال می‌کنند- برای این است که مردم را خسته کنیم، مردم را از صحنه خارج شوند، مردم به نظام اسلامی پشت کنند. یا این کار صورت بگیرد، یا در اراده‌ی مسئولین رخنه به وجود بیاید؛ مسئولین در محاسبات خودشان تجدید نظر کنند. تعبیر آن‌ها این است: می‌گویند می‌خواهیم مسئولین جمهوری اسلامی احساس کنند که هزینه‌ی تصمیم‌گیری‌های آن‌ها بالاست. این رخنه ایجاد کردن در اراده‌ی مسئولین کشور با همه توانشان، با همه ترفندهایی که بلدند، دارند این دو کار را دنبال می‌کنند. یا در مردم ایجاد تردید کنند و مردم را از نظام جدا کنند یا در مسئولین ایجاد تردید کنند و مسئولین را وادار کنند که در تصمیم‌های خودشان تجدیدنظر کنند.» ... بر خلاف تصور و تحلیل‌های جبهه استکبار، نظام جمهوری اسلامی امروز نه تنها در شرایط شعب ابی طالب نیست؛ بلکه در شرایط بدر و خیبر قرار دارد.»

همچنین، معظم له در دیدار با کارگزاران نظام - در ۵ مرداد سال ۱۳۹۱- با اشاره به اهمیت اقتصاد مقاومتی به تبیین ارکان این موضوع پرداخته و مجدداً بر تلاش دشمن برای جداسازی مردم از نظام از طریق فشارهای اقتصادی تاکید ورزیدند: «ما چند سال پیش «اقتصاد مقاومتی» را مطرح کردیم. همه‌ی کسانی که ناظر مسائل گوناگون بودند، می‌توانستند حدس بزنند که هدف دشمن، فشار اقتصادی بر کشور است. معلوم بود و طراحی‌ها نشان می‌داد که این‌ها می‌خواهند بر روی اقتصاد کشور متمرکز شوند. اقتصاد کشور ما برای آن‌ها نقطه‌ی مهمی است. هدف دشمن این بود که بر روی اقتصاد متمرکز شود، به رشد ملی لطمه بزند، به اشتغال لطمه بزند، طبعاً رفاه ملی دچار اختلال و خطر شود، مردم دچار مشکل شوند، دل‌زده بشوند، از نظام اسلامی جدا شوند؛ هدف فشار اقتصادی دشمن این است، و این محسوس بود؛ این را انسان می‌توانست مشاهده کند. من در سال ۸۶ در سخن مطهر علی‌بن‌موسی‌الرضا (علیه‌الصلاة و السلام) در سخنرانی اول سال گفتم که این‌ها دارند مسئله‌ی اقتصاد را پیگیری می‌کنند؛ بعد هم آدم می‌تواند فرض کند که این شعارهای سال حلقه‌هایی بود برای ایجاد یک منظومه‌ی کامل در زمینه‌ی مسائل اقتصاد؛ یعنی اصلاح الگوی مصرف، مسئله‌ی جلوگیری از اسراف، مسئله‌ی همت مضاعف و کار مضاعف، مسئله‌ی جهاد اقتصادی، و امسال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه‌ی ایرانی. ما این‌ها را به عنوان شعارهای زودگذر مطرح نکردیم؛ این‌ها چیزهایی است که می‌تواند حرکت عمومی کشور را در زمینه‌ی اقتصاد ساماندهی کند؛ می‌تواند ما را پیش ببرد. ما باید دنبال این راه باشیم.»

نتیجه‌گیری

جبهه‌ی استکبار به رغم شعارهای دموکراتیک، تحولات مردم‌سالارانه‌ی کشورهای ناهمسو با منافع خود را به مثابه فرصت مداخله و جنگ نرم ارزیابی می‌کند و بدیهی است که تلاش می‌کند تا از آن برای براندازی بهره بگیرد. از نظر آن‌ها، تجربه‌ی فتنه‌ی ۸۸، الگویی را بر جا گذاشته که به موجب آن، فرصت بسیج سیاسی در جریان انتخابات، همراه با احساس مغبونیت و مظلومیت حاصل از جنگ رسانه‌ای، لشکرهایی از جمعیت غیر مسلح را به خیابان‌ها می‌کشاند. این در حالی است که تهاجم رسانه‌ای راهبردی، پیش‌تر، شکاف‌هایی را بین نظام و برخی گروه‌های اجتماعی توسعه داده است.

در عین حال، همین تجربه، دشمن را متوجه دو مانع اصلی کرده است: اول، محدود شدن پایگاه اجتماعی جنگ نرم به گروه‌های خاصی از جامعه، و دوم، قدرت مدیریتی نظام (به ویژه، مقام معظم رهبری) در برخورد با هجده‌می نرم. برای غلبه بر این موانع، دشمن از یک‌سو با اعمال تحریم‌های اقتصادی بی‌سابقه، تلاش دارد تا ضمن فرسودن پایه‌های اقتدار نظام و تضعیف قدرت مقابله‌ای آن، وفاداری مردم به نظام را تحت تأثیر تضيیقات معیشتی زایل سازد. بزرگنمایی مشکلات اقتصادی کشور و پیشگویی فروپاشی اقتصادی در همین راستا قابل تحلیل است.

نگاه دشمن به انتخابات به مثابه فرصت جنگ نرم، شامل چند مؤلفه است:

(۱) انتخابات و مبارزات انتخاباتی، فرصتی برای زیر سؤال بردن مجموعه‌ی عملکرد هشت ساله‌ی اخیر نظام محسوب می‌شود. این کار که به بهانه‌ی نقد عملکرد دولت وقت به اجرا در خواهد آمد، در واقع، از یک‌سو، نفی کارآمدی گفتمان اصولگرایی را دنبال می‌کند (این بدان معنی است که غرب از رهگذر تحریم، تنها به دنبال کاهش قدرت دولت و ایجاد نارضایتی معیشتی نیست، بلکه به دنبال حذف مشروعیت گفتمانی است که در پس شعارها و برنامه‌های دولت حاضر قرار گرفته است) و از سوی دیگر، در صدد است تا با توجه به حمایت‌های مقام معظم رهبری از برنامه‌های رئیس‌جمهور وقت، قوت تدابیر و تحلیل‌های ایشان را مورد تشکیک قرار دهد.

(۲) گره زدن حل مشکلات کشور به برقراری با رابطه‌ی با آمریکا (تسلیم در برابر آمریکا). دشمن تلاش دارد تا ورشکستگی ادعایی اقتصاد ایران را به قدرت تحریم آمریکا نسبت دهد. برخی اظهارات نسجیده مبنی بر تقابل نابرابر بین ایران و آمریکا، این ادعاها را تقویت می‌کند. بنابراین، هم‌زمان با شروع جنگ نرم جدید با محوریت انتخابات، آمریکا تلاش می‌کند تا تضاد دیرینه‌ی ملت ایران با استکبار را به نگرش‌های مثبت نسبت به خود تبدیل کند؛ همه‌ی این فرآیند، در نهایت، هدف تأمین منافع آمریکا را دنبال می‌کند و زمانی که دشمن تصور می‌نماید، می‌توان بخشی از این هدف را در جریان تبلیغات انتخاباتی تأمین کرد، از آن چشم‌پوشی نخواهد کرد.

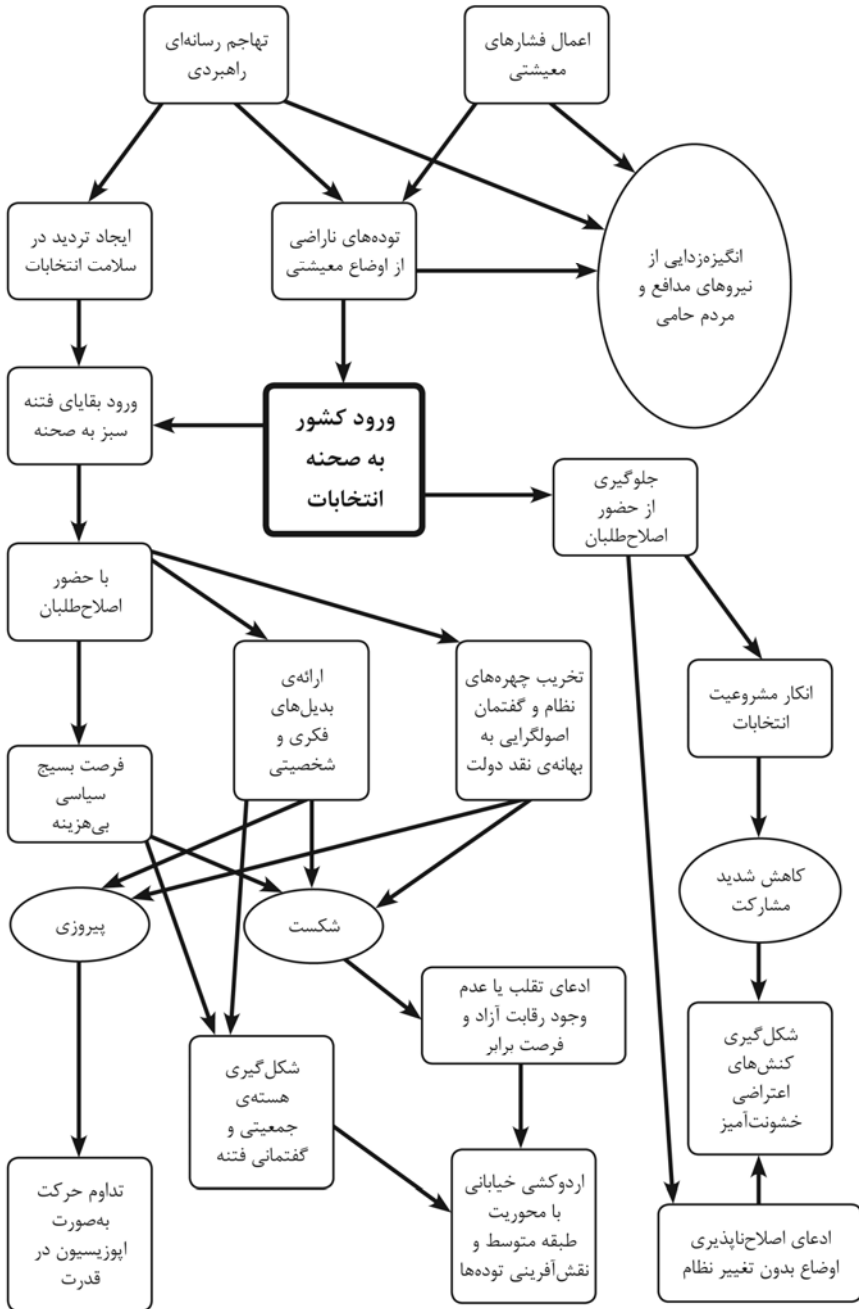
۳) تجربه‌های رویارویی استکبار با جمهوری اسلامی ایران، به غربی‌ها آموخته است که اگر نه اساسی‌ترین، حداقل، از جمله اساسی‌ترین نقاط قوت نظام ما در شکست طرح‌های دشمن، حضور مقام معظم رهبری در صدر تصمیم‌گیری‌های راهبردی (و گاه حتی عملیاتی و تاکتیکی) کشور است. نقش‌آفرینی‌های خطیر ایشان در مقابله با فتنه‌ی ۸۸، مهر تأیید قاطعی بر این تحلیل بود. بدیهی است که دشمن در صد برآید تا با بهره‌گیری از هرگونه امکان در دسترس، به ویژه، تهاجم رسانه‌ای، شخصیت و جایگاه ایشان در نزد افکار عمومی را مورد حمله قرار دهند. هم‌چنان که پیش‌تر اشاره شد، نقد عملکرد داخلی و خارجی دولت، و به تبع آن، نقد کارآمدی گفتمان اصولگرایی، در عمل، رهبری را هدف قرار خواهد داد.

۴) پروژه‌ی منجی‌سازی: انتخابات فرصتی است تا در کنار نفی و تخریب همه‌ی اندیشه‌ها و شخصیت‌های ناخوشایند استکبار، دکترین‌ها و به ویژه، بازیگران مطلوب غرب به عنوان منجی به افکار عمومی معرفی شوند. جان گرفتن برخی بازیگران اصلاح‌طلبی از این جمله است.^۱

با توجه به فرصت‌های صوری یادشده، و با رویکردی عقلی-قیاسی می‌توان چنین استنتاج کرد که از منظر تحلیل‌گران حریف، جنگ نرم مورد انتظار آن‌ها در بستر انتخابات، یکی از دو مسیر اعمال فشارهای معیشتی و یا تهاجم رسانه‌ای راهبردی ترسیم شده در روندنمای ذیل را طی خواهد کرد؛ انتخاب هر یک از این دو راهکار از سوی دشمن، به نوع برخورد نظام با اپوزیسیون بستگی خواهد داشت:

۱- مارک کرک نماینده جمهوری خواه در مجلس سنا در مصاحبه‌ای با تلویزیون فارسی صدای آمریکا اعلام کرد که لایحه جدیدی قرار است حقوق مردم ایران را در اولویت سیاست خارجی آمریکا قرار دهد. وی تأکید کرد که همین اقدام در ارتباط با شوروی سابق انجام شد و موفقیت‌آمیز بود و شوروی سقوط کرد؛ سپس تصریح می‌نماید باید این استراتژی را در مورد ایران هم اعمال کرد. کرک، تأکید کرد که مهم‌ترین استراتژی که سیاست خارجی آمریکا به صورت کاملاً یکپارچه دنبال خواهد کرد برجسته سازی ویژه نام مخالفان ایرانی خواهد بود. (کرک، ۱۳۹۱/۱۲/۱۰)

فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی - امنیتی



شکل ۴- روندنمای سناریوی استنتاجی از برنامه‌های دشمن برای انتخابات آتی

در پایان، به عنوان مؤیدی بر بخشی از سناریوی استنتاجی و تحلیل‌های ارائه شده در مقاله‌ی حاضر، می‌توان به اظهارات مارک کاتز، استاد علوم سیاسی دانشگاه جرج میسن آمریکا که به صاحب‌نظر مسائل ایران مشهور شده، استناد کرد. وی در مصاحبه با شبکه‌ی سی‌ان‌ان، به سه بحران جدی اشاره می‌کند که به زعم او، جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۳، با آن‌ها درگیر شده و تحت تأثیرشان قرار خواهد گرفت:

۱- اغتشاش عمومی بعد از انتخابات؛

۲- چالش‌هایی که درباره‌ی جایگاه رهبری رخ می‌دهد؛

۳- مسئله‌ی هسته‌ای ایران و احتمال حمله‌ی نظامی آمریکا و اسرائیل.

کاتز با ارائه‌ی الگویی از اعتراض‌های کشورهای منطقه، اجرای همان سبک از اعتراض‌ها را در ایران پیش‌بینی می‌کند و مدعی می‌شود که سقوط رهبران دیرپا در مصر، تونس، لیبی، یمن و احتمالاً سوریه در اواسط سال ۲۰۱۳، الگوهایی را برای آشوب‌های عمومی ایران فراهم می‌کند. مردم ایران تلاش‌های بزرگ‌تری را در واکنش به نتیجه‌ی غیرقانونی انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۲۰۱۳، درست همانند رویدادهای سال ۲۰۰۹، شروع خواهند کرد... مسئله‌ی اصلی درباره‌ی این بحران‌ها، تأثیری است که هر یک از آن‌ها می‌تواند بر قدرت و ثبات جمهوری اسلامی برجا گذارند. آشوب‌های سیاسی داخلی که در نتیجه‌ی واکنش منفی مردم به انتخابات قریب‌الوقوع ریاست‌جمهوری ایجاد می‌شود، می‌تواند آزمونی جدی برای مشروعیت حکومت اسلامی باشد و حتی به سقوط این حکومت منجر گردد؛ البته اگر روندی مشابه آشوب‌های بهار عربی پدیدار شود. همچنین واکنش منفی مردم به رهبری، می‌تواند مشروعیت این حکومت را تضعیف کند. (عبداللهی، ۱۳۹۱/۱۰/۱۷)

کتابنامه

- پژوهشکده مطالعات راهبردی، (۱۳۹۰) سال نمای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران؛ تحولات راهبردی ۱۳۹۰ چشم انداز ۱۳۹۱، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی
- تی آلیسون، گراهام (۱۳۶۴) شیوه‌های تصمیم‌گیری در سیاست خارجی؛ ترجمه منوچهر شجاعی؛ تهران: علمی فرهنگی.
- حسینی، سید حسن، (۱۳۹۰)، ارتباط اقناعی از آموزه‌های عملی تا یافته‌های علمی، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)
- دلاورپور اقدم، مصطفی (۱۳۹۰) واکاوی تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در قالب تحلیل گفتمانی، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- کاظمی، (۱۳۸۵) «عوامل داخلی و خارجی در شکل‌گیری انقلاب رنگی گرجستان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال هفدهم، شماره ۶۳.
- ناظمی، امیر و روح‌الله قدیری (۱۳۸۵)، آینده‌نگاری از مفهوم تا اجرا، تهران: مرکز صنایع نوین.
- Godet, M. and Fabrice Roubelat, Creating the future: The Use and Misuse of Scenarios, **Long Range Planning**, V.29, N.2, April 1996.
- Schwartz, Peter, **The Art of Jong View**. New York: Doubleday Currency, 1991.

منابع اینترنتی

- ابدو، جنیو (۰۸ / ۱۲ / ۱۳۸۹) جنبش سبز مدتهاست که مرده / آمریکا باید جنبش سبز ۲
راه‌اندازی کند، قابل دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>
- بارنز، مایکل، (۱۳۹۱/۷/۱۷) ، کسانی در داخل ایران از ما می‌خواهند تحریم‌ها را تشدید کنیم،
قابل دسترسی در: <http://fa.irannuc.ir/index.php?option=com>
- باستانی، حسین (۲۰۱۲/۷/۱۲) تحریم اقتصادی و تلاش برای عبور از بحران ، قابل دسترسی در:
<http://www.bbc.co.uk>
- بائر، دن (۱۳۹۰/۲/۴) آموزش دور زدن فیلترینگ به اپوزیسیون ایران توسط آمریکا، قابل
دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>
- پترائوس، دیوید (۱۲/۱۱/۱۳۹۰) هدف واشنگتن از افزایش تحریم‌ها افزایش تأثیر آن‌ها بر
سطح نارضایتی مردم ایران است، قابل دسترسی در: <http://strategicreview.org>
- پوزنر، مایکل (۱۳۹۰/۵/۸) باید برای شبکه‌شدن مخالفان ایران تلاش کنیم، قابل دسترسی در:
<http://www.mashreghnews.ir>
- خوش آیند، حمید پروژه «اینترنِت چمدانی» برای براندازی حکومت‌های مخالف
آمریکا، قابل دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>
- دانیلون، تام (۲۰۱۱/۸ /۲۹) درباره تحریم ایران، قابل دسترسی در:
<http://iipdigital.usembassy.govs>
- ذکریا، فرید (۲۰۱۱/۴/۹) استیصال فزاینده‌ی رژیم ایران، قابل دسترسی در:
rahejomhoori.wordpress.com
- شرمن، براد ، (۱۳۹۱ /۳/۱۳) ، (3/3/.august\ .BBCPersian) ،
شورای دولتی پخش برنامه‌های رادیو و تلویزیون آمریکا (۱۳۸۹/۹/۲۸) گزارش بودجه هیئت
رسانه‌ای آمریکا برای سال ۲۰۱۱، قابل دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>
- عبداللهی، محمد (۱۳۹۱/۱۰/۱۷) ابعاد و بازیگران سناریوی فتنه ۹۲، قابل دسترسی در:
<http://www.farsnews.com>
- فریلیچ، چوک (۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۰) ۵ پیشنهاد مشاور امنیت اسرائیل برایت وهم براندازی
جمهوری اسلامی قابل دسترسی در: <http://www.psyop.ir/?p=5764>
- کاتزن، کنث (۱۳۹۰ /۲/ ۱۸) گزارش مرکز تحقیقات کنگره آمریکا : سیاست آمریکا به‌سوی
حمایت علنی تر از مخالفان در ایران، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com>

- کاتزمن، کنت (۱۳۹۰/۲/۱۷) روایات غیر مستندی از وقوع برخی نا آرامی‌های اقتصادی در سال ۲۰۱۱، قابل دسترسی در: <http://www.farsnews.com>
- کِرک، مارک (۱۳۹۱/۱۲/۱۰) برجسته‌سازی ابوزیسیون ایران؛ استراتژی جدید آمریکا، قابل دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>
- کلینتون، هیلاری، (۲۰۱۱/۸/۲۶)، تحریم‌های بین‌المللی برای ترغیب ایران به تغییر رویه، قابل دسترسی در: www.bbc.co.uk
- کینگریج، نیوت (۲۹ /۶/ ۱۳۹۰) رای براندازی حکومت ایران باید فعالیت‌های رسانه‌ای را گسترش داد، قابل دسترسی در: hemaiatweb.blogfa.com
- لدین، مایکل (۱۳۹۱/۰۵/۲۳) تحریم و گزینه نظامی علیه ایران بی فایده است باید از داخل کاری کرد، قابل دسترسی در: <http://khabarfarsi.com>
- لیبرمن، آویگدور (۱۳۹۱/۷/۹) سناریوی میدان‌التحریر در تهران تکرار می‌شود. قابل دسترسی در: <http://www.irdiplomacy.ir>
- لیندگرین، ماتسو باند هولد، هانس (۱۳۸۶) طراحی سناریو پیوند بین آینده و راهبرد، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- مجلس نمایندگان آمریکا (۱۳۹۰/۲/ ۲۸) استراتژی جامع آمریکا برای مقابله با ایران، قابل دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>
- مک مکین، جان، (۱۳۹۱/۳/۱۲) رویکرد تضعیف تدریجی نظام ایران به وسیله جنبش سبز قابل دسترسی در: <http://www.mashreghnews.ir>

